

نارسینا

(کولفرح)

نیایشگاه باستانی عیلام نو

دکتر اردشیر صالح پور

۱۳۹۵

سرشناسه: صالح پور، اردشیر، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور: نارسینا (کولفرح): نیایشگاه باستانی عیلام نو/ اردشیر صالح پور
مشخصات نشر: خوزستان: نشر الیما، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ سم
شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ۱-۸۴-۶۶۵۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: سنگواره‌ها -- ایران -- ایذه

موضوع: لامیان

موضوع: ادیان -- تاریخ -- پیش از اسلام

موضوع: ایذه -- آثار تاریخی

رده بندی کنگر: ۳۹۴ اص ۱۹۹ / DSR۵۵

رده بندی دیویی: ۵۲۵/۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۲، ۱۵۰



نارسینا (کولفرح) نیایشگاه باستانی عیلام نو

ناشر و مؤلف: نشر الیما، دکتر اردشیر صالح پور

تلفن: ۰۹۱۶۳۹۰۲۱۴۷ / Elima_pub@yahoo.com

طراح گرافیک: خسرو چگینی

بازنگاری نگارکندها: آزاده شرکت

عکس: دکتر اردشیر صالح پور

ترجمه بخش انگلیسی: دکتر حاجی بابا رحمانی فر

حروفچینی: زهره عبدی

چاپ: اشراق

لیتوگرافی: پردیس

نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۵

شمارگاہ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

چیدمان

- ۱ - پیش آیند / در آیند
- ۷ - آئین چیست؟
- ۱۵ - نسبت بین دین و آئین
- ۲۰ - آئین - نیایش - نمایش
- ۲۶ - نیایش و نیایشگاه
- ۲۹ - قریبی کهن، رسم و آئینی کهن
- ۳۳ - آئین قربانی در نیایشگاه نارسینا (کولفرح)
- ۳۶ - تراژدی، نمایش قربانی
- ۴۰ - عیلام، سرزمین خاور
- ۴۴ - نارسینا، نیایشگاهی برون شهر - در آبابیر «ایذه»
- ۶۵ - سنگ‌نگاره‌ی نخست (نگارهند و نگارنویس)
- ۹۷ - سنگ‌نگاره‌ی دوم - نگارکند قربانی
- ۱۰۵ - سنگ‌نگاره‌ی سوم - سنگ یادمانی آئینی
- ۱۰۷ - پی آیند / الف: کاروان نیایشی - نمایشی
- ۱۱۹ - پی آیند / ب: حمل پیکره در کاروان نیایشی - نمایشی
- ۱۳۱ - پی آیند / پ: حضور حیوانات جهت قربانی
- ۱۴۰ - پی آیند / ت: ارکستر و نوازندگان «گروه موسیقی»

- ۱۵۲ پی آیند / ث: شرکت و حضور شاه در مراسم آئینی - نمایشی
- ۱۵۸ پی آیند / ج: مناسبت برگزاری کاروان نیایشی - نمایشی
- ۱۶۵ - سنگ نگاره‌ی چهارم - بارعام یا مراسم سوگند سلطنتی
- ۱۸۵ - سنگ نگاره‌ی پنجم - قربانی کردن
- ۱۸۹ - سنگ نگاره‌ی ششم - حمل تندیس و ورود پیکره‌ی
- آئینی به نیایشگاه نارسینا (کولفرح) در سنگ نگاره‌ای دیگر
- ۱۹۴ - کتابخانه
- ۱۹۶ - سپهرستان
- ۱۹۸ - چکیده بازار انگلیسی



- پیش آیند / ایزده،

- بار دیگر شهری که دوست می‌داشتیم^۱

در آیند / که خورشید آواز پنهان ماست

چراغ جهان روشن از جان ماست

ایزده «آیاپیر»، شهر سنگ‌نگاره‌هاست. شهری با صدها نگارکند ریز و درشت بر دیواره‌ی صخره‌ها و کوه‌ها و دل دره‌ها و جای‌جای آن بر کمر سنگ‌های غلتیده در دشت و دمن به عنوان تصاویری از پیشینه‌ئی کهن که با ما اکنون در میان می‌کند تا راز دیرینگی خویش را در میان نهد. سنگ عنصری قدیم است. انسان پیش از کشف فلزات، سنگ را شناخته و از آن استفاده کرده است. به عبارتی سنگ‌نگاره‌ها در حکم دیرینه‌ترین نمایشگاه‌ها و کتابخانه‌های مصوّر بشری محسوب می‌شوند. بدین ترتیب، سنگ اولین بوم و دفتر بالائی، کتاب انسان، ابزار و محافظ و سرپناه و سنگ بنای معابد و یادمان‌های عظیم و تزئینات زیبا در بسیاری از تمدن‌ها در طی تاریخ بوده است. اهمیت سنگ نه تنها در استحکامات بلکه در امور متافیزیکی و معنوی تاب‌دانا بود که گاه انسان رنج بار کشیدن چندین تن سنگ را در ساخت‌های طولانی بر خود هموار می‌ساخت تا آن را در مکان مورد احترام، آرامگاه یا معابد نصب کند. سنگ‌هایی که اثرات عبادی بر آن‌ها مترتب بوده و به عنوان ابزار به کار

آمده بیش از آنکه مورد پرستش واقع شوند، وظیفه و رسالتی جادویی داشتند و برخی از تمدن‌ها به روح برتر در بعضی سنگ‌ها معتقد بودند که به منشاء آن و یا به شکل و کاربرد آن مربوط می‌باشد.^۱

در علم باستان‌شناختی به تمام علائم و نقوشی که انسان به شیوه‌های مختلف بر صخره‌ی کوه‌ها یا روی تخته سنگ‌ها نقش می‌کند «هنر صخره‌ای» "Rock Art" گفته می‌شود. این سنگ‌نگاره‌ها "petroglyphs" گاه بر دیواره‌ی غارها و اشکفت‌های کوهستان و پناهگاه‌های صخره‌ای نقش بسته و گاه بر صخره‌های جدا افتاده در فضای باز، بسیاری از پژوهشگران هنر صخره‌ای را نمونه‌ی بارز یک هنر جهانی می‌دانند که قدمت آن به اعماق تاریخ بشر بر می‌گردد و اغلب این نوع هنر را جزو مهم‌ترین شاخه‌ی هنرهای بشری می‌تقی کرده‌اند که نخستین جلوه‌های شناخته شده از حس زیباشناختی و وسیع هنری اجداد انسان را در نقاط مختلف دنیا به نمایش می‌گذارد.^۲

واژه‌ی فارسی نگارکند «سنگ‌نگاره» که با استعاضات از مصادر فارسی و گری بختیاری، «کندن» به معنای نقش کردن و اصطلاحاً «نقش و نگار» در برابر واژه‌ی لاتینی «پتروگلیف» به معنای «حک کردن» است که خود از دو واژه‌ی یونانی petros به معنای سنگ و Glyphein به معنای حک کردن اخذ شده است.

۱. افضل طوسی، علم السادات

۲. وحدتی، علی‌اکبر

سنگ‌نگاره‌ها نقوشی هستند که به کمک ابزاری تیز یا محکم مانند فلز، قلم و چکش و قلوه سنگ به شیوه‌های مختلف مانند حک کردن، خراش دادن، ضربه زدن و کوبیدن و انواع شیوه‌های دیگر بر سینه‌ی صخره‌هایی که سطح آنها در اثر رسوب گرفتگی تیره شده و یا جنس سنگ به گونه‌ای است که قابلیت نقش‌پذیری و نوشتاری را دارد و مناسب نقش‌اندازی است، ایجاد می‌کنند.

در واقع سنگ‌نگاره‌ها با زدودن قشر سطحی رسوبات تیره‌ی صخره و نمایان کردن بخشی از بدنه‌ی اصلی صخره که رنگ روشنی دارد، نوعی تضاد رنگ ایجاد کرده و به خوبی خود را از زمینه‌ی تیره‌ی صخره جدا می‌کنند. در بیشتر موارد برای ایجاد یک نقش، تمام قسمت‌های داخلی آن را با برداشتن رسوبات، به رنگ و من درمی‌آورند تا نوعی «نقش مثبت» یا «توپر» ایجاد شود. در مواردی نیز به جای تراشیدن یا «نقر»، تمام قسمت‌های داخلی یک نقش بر صخره، فقط محیط اطراف تصویر را حک کرده و قسمت‌های داخلی را به صورت دست نخورده باقی می‌گذارند که نتیجه آن نوعی «نقش منفی» یا «تو خالی» است.

سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌های یادمانی، بخشی از تاریخ و موارث کهن ایزد باستان به شمار می‌روند و اسنادی ارزشمند هستند که به ما بارها، اعتقادات، دین و فرهنگ و رسم و رسوم گذشتگان و تاریخ ساکنان قدیمی این دیار را یادآور می‌شوند.

پرفسور فردریک هرورزنی (Friedric herozny, 1963) دانشمند چک، اظهار می‌کند که عیلامی‌ها اقوامی هستند که کاملاً با سومری‌ها، سامی‌ها و هند و اروپائیان فرق دارند و پرفسور هینس (Hins) معتقد است؛ منطقی‌ترین فرضیه برای تعیین هویت عیلامی‌ها شاید بتواند این باشد که آنها را از اجداد و قبایل گُر تصور کنیم. این نظریه مورد تایید پرفسور ایشکند (Eieykstead, 1961) نیز هست. در واقع عیلامی‌ها نه از نژاد سامی بودند و نه از نژاد آریائی. بلکه ساکنان اصلی و اولیه‌ی کوهستان‌های زاگرس بودند که آریائیان به سوی آنان آمده و با آنان ترکیب شدند.^۱

والترز هیتز، عیلام‌شناس ناسی (موا ه عیلامیان را «گُرهای اولیه»^۲ می‌داند که قلمرو جنوب غربی ایران، کوهستان‌های زاگرس مسکن و مأوای این قوم کهن است آنان بعدها سیطر و قدرت خویش را تا فلات و نجد خوزستان گشانده و حتی ره به میان رودان «بین‌النهرین» نیز جسته‌اند. تعلق خاطر آنان به کوه و کوهستان و ساخت عباد و نیایشگاه‌های کوه‌آسا هم‌چون زیگورات «چغازنبیل» و معبد تاریشا (اشکمت سلیمان) و نیایشگاه نارسینا (کولفرج) در ایده به روزگار نو عیلامیان تیر حاکمی از علاقه‌ی وافر آنان به نیایش و احترام و ارتباط با عالم کائنات است.

۱. دکتر عزت‌اله نگهبان، شوش، شهر شش هزار ساله

۲. دنیل، تی، پاتس، باستان‌شناسی ایلام

سنگ‌ها و نقش و نگاره‌های آیاپیر (ایذه) جنبه‌ی تزئینی نداشته بلکه یک آئین و یا رویداد فرهنگی مذهبی را به نمایش می‌گذارند. حرکت گروهی نیایشگران به همراه حمل پیکره‌های مقدس و حضور قربانیان به همراه خنیاگران و نوازندگان موسیقی در حالات و اطوار مختلف حاکی از تنوع و گستره‌ی مراسم آئینی آنان است که قریب به سه هزار سال پیش در این دیار مردم بوده است.

حرکت در شکل کاروانی (کارناوالیته) و دسته‌روی‌های مذهبی و تظاهرات مردمی در صفوف آئینی به همراه موسیقی و سرود با حضور شخص شاه و نیایشگران مردمی، منحصر به فردترین سنگ‌های یادمانی و نگارنده‌هایی هستند که در هیچ جای ایران نمونه نداشته و سندی کهن برای هنرهای صخره‌ای و نیایش‌های این دیار باستانی است. این سنگ‌ها و لوحه‌های آئینی را می‌توان به عنوان قدیمی‌ترین مراسم نیایشی این دیار تلقی کرد و با حرمت بسیار می‌بایست از آنان صیانت کرد.

دشت باستانی آیاپیر «ایذه» در شمال شرقی خوزستان و حداثه‌ی دو استان خوزستان و چهارمحال بختیاری با موقعیتی کوهستانی و آثار باستانی و تاریخی فراوان و جاذبه‌های گردشگری، و طبیعت زیبا و دل‌انگیزش، قابلیت‌های سرشار و جذاب بی‌شماری داشته که می‌تواند چشم همه گردشگران داخلی و خارجی را به خود خیره کند و با آنان به ارتباط و همکلامی و همدلی بنشیند.

ایذه، آياپير، شهري كه‌ن و هزاران ساله با طبيعتي متفاوت، دشتي
 مسطح مي‌ان كوه، شهري كه اطرافش را تماماً كوه فرا گرفته است. شهري
 كه‌ن و ديرينه، با نگاركندها و هنرهای صخره‌ای‌اش، يادآور روزگار
 باستان، شاه شهري با جلال و هيئت افلاكي و سنگي، تصويري كه‌ن از
 شكوه و شوكت ديرينه به روزگار نو عيلاميان... تو را اي كه‌ن بوم و بر
 دوست دارم...^۱

ایذه، ای سرزمین دودمانی، بار ديگر براي تو مي‌نويسم.

نام كه نام خون اين فرهنگ و خاك

م، فرزند سرفرازي در رگم

از دشت صالح پور

زمستان ۱۳۹۴

تهران

